

www.salampnu.com

سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

www.salampnu.com

بسم الله الرحمن الرحيم

نام درس: کلیله و دمنه ۱ (رشته زبان و ادبیات فارسی)

تعداد واحد: ۲

مؤلف: دکتر نورالدین مقصودی

تهیه کننده: دکتر مرتضی حاجی مزدارانی

هدف کلی

آشنایی با نثر مصنوع در زبان فارسی

مطالب مندرج

یک پیشگفتار و هفت بخش که عبارتند از:
باب برزویی طبیب در بخش اول و باب الاسد و الثور از
بخش ۲ تا بخش ۷

پیشگفتار ق ۱

کليله و دمنه از شاهکارهای نثر فارسی است. اصل کتاب از هند است. متن سنسکریت قسمتی از کتاب که از پنچاتنترا و مهابهاراتا ترجمه شده، در دست است. ابوالمعالی نصراله منشی قدیمی ترین مترجم فارسی آن است.

پیشگفتار ق ۲

پانزده باب دارد، ده باب آن از اصل هندی است:
الاسد و الثور، الفحص عن امر دمنه، الحمامة المطوقه، البوم
و الغربان، الملك و الطائر فنزه، السنور و الجرذ، الاسد و
ابن آوى، القرد و السلحفاة، الاسوار و اللبوه، الناسك و
الضيف

پیشگفتار ق ۳

پنج باب را پارسیان افزودند:

برزویه طبیب، الناسک و ابن عرس، البلار والبراهمه، السائح
و الصائغ، ابن الملک و اصحابه

پیشگفتار ق ۴

موضوع پنچاتنتررا پند است. شیوه نگارش این است که یک داستان ضمن گفتگو مطرح می شود و داستانهای دیگری ضمن آن داستان نخستین بیان می شود، در پایان داستان نخستین به انجام می رسد، شیوه بهرامشاهی نیز این است.

پیشگفتار ق ۵

سه باب کلیله و دمنه از مهابهاراتا است:

السنور و الجرذ، الطائر و ابن الملك، الاسد و ابن اوبی؛
بعلاوه حکایت مردی که از پیش شتر مست بگریختِ باب
برزویه از مهابهاراتا اقتباس شده است.

پیشگفتار ق ۶

ترجمه پهلوی کلیله و دمنه در زمان انوشروان (۵۳۱-۵۷۹ م)
به دست برزویه طبیب انجام شد.

ترجمه عربی پس از ترجمه به پهلوی از روی آن بوسیله
عبداله بن مقفع. تاریخ قتل ابن مقفع بین ۱۴۲ تا ۱۴۵ هـ.

پیشگفتار ق 7

کليلة و دمنه بهرامشاهی:

معروفترین ترجمه است از این کتاب. تاریخ ترجمه بین

سالهای ۵۳۸ و ۵۴۰ هـ.

مترجم مقید به متابعت از اصل نبوده است بلکه ترجمه او آزاد

است.

نخستین نثر مصنوع فارسی

پیشگفتار ق ۸

صنایع لفظی و معنوی در این کتاب چنان طبیعی است که خواننده غالباً متوجه آن نمی شود.

ترجمه ابن مقفع فقط نثر است اما ترجمه بهرامشاهی نثر و نظم و مثل و آیه و حدیث دارد.

پیشگفتار ق ۹

ابواب کلیله و دمنه از افسانه هایی است که از زبان بهایم و مرغان و وحوش جمع کرده اند و پند و حکمت و لُهو و هزل را به هم پیوسته اند تا «حکما» برای استفادۀ نادانان برای افسانه بخوانند.

پیشگفتار ق ۱۰

ترجمه های دیگر از کلیله و دمنه:

ترجمه بخاری، داستانهای بید پای (ق ۶)

کلیله و دمنه منظوم قانعی طوسی (ق ۷)

انوار سهیلی (وفات ۹۰۶ - ۹۱۰)

عیار دانش تهذیب الوالفضل دکنی (۹۹۶ هـ)

بخش اول

باب برزویه طبیب

در این باب برزویه خود را معرفی می کند، که خودش
پزشک است و پدر از طبقه لشکریان و مادر از طبقه
علمای زرتشت و علت انتخاب پیشه پزشکی را بیان می
کند.

بخش ۱

نام درس: باب برزویه طبیب

رغبت خود را به پیشه پزشکی با فواید اخروی و دنیوی بیان می کند و حکایت هایی بیان می کند. از آن جمله حکایت "دزدی که نور ماه را گرفته به دزدی رفت و گرفتار شد" و حکایت "آن مرد که از پیش شتر مست بگریخت و به چاهی خوفناک رفت".

شرح و توضیحات بخش ۱ - ق ۱

تعالی: جمله فعلیه و وصفیه، برتر است

تازه گردانید: بخشید

ترشح: پرورده شدن

گشت در جمله «مخصوص گشت»: گشتم، عطف فعل سوم
شخص به اول شخص (این خصیصه سبکی در جاهای
دیگر هم تکرار شده است)

شرح و توضیحات بخش ۱ - ق ۲

تحریض: تشویق

سایر: سیر کننده

فاضلتر اطبا: ارجمندترین پزشکان (برترین)

مواظبت: مداومت

ملازمت: پیوستگی

مُذَخَّر: ذخیره شده (ریشه ذخر) در جمله: خلاصه

شرح و توضیحات بخش ۱ - ق ۳

مضار: ج مضرت

استمتاع: برخوردار شدن

شره: آز

مشتی: (مشت+ی نکره یا وحدت) گروهی اندک

اخلاط: ج خلط، آمیزه ها

صفراء، سوداء، بلغم و دم: مزاج آدمی از اینها مرکب می شود.

شرح و توضیحات بخش ۱ - ق 4

شایانی: شایستگی

راجح: غالب آمده

شاید برود: مصدر مرخم، شاید بودن

اهل: زن، فرزندان

تمهید: آماده کردن

راست «در عبارت "راست آنرا ماند"»: قید تاکید، عیناً

را: (در همین عبارت) حرف اضافه

شرح و توضیحات بخش ۱ - ق ۵

حِسْبَت: ثواب

عِلَّت: بیماری

خَفَّت: سبک شدن

تَحَرَّى: جستن

مَثُوبَات: ج مثوبه، پاداش

حَطَام: ریزه گیاه خشک

بَر وَجْه كَزَاف: به روش تخمین

سِيَاقَت: روش

مَسْتَغْرَق: فرو رونده

شرح و توضیحات بخش ۱ - ق ۶

میامن: ج میمنت

صِلات: ج صلّه، عطاها

مواهب: ج موهبت، بخششها

متواتر: پیایی

أقران: ج قرن، همانندان

مُنسَد: بسته

مِزاج: تظاهرات حیاتی بدن

واثق: مطمئن

شرح و توضیحات بخش ۱ - ق ۷

معاودت: برگشتن

تبرّم: دلسردی

نَهْمَت: منتهای کوشش

مخاوف: ج مَخَوَف، جاهای

مضایق: ج مضیق، جاهای تنگ

خلاصی: نوعی خلاص، (ی) نکره

ملت: دین

شرح و توضیحات بخش ۱ - ق ۸

مُصِيب: اصابت کننده

تُرَدَّد: دودلی

بَر هَوَا بُود: پوچ بود

حَسَّ: نوای آرام و پنهانی

مُقَمِّر: ماهتابی

پشتواره: کوله بار

سوخته نم داشت: پارچه کهنه، حُرَاقَه

خاک پس من انداز: میلی به بازگشت من نداشته باش

شرح و توضیحات بخش ۱ - ق ۹

نمّامی: سخن چینی

ایزا: آزردن

سباع: ج سَبُع، جانوران درنده

موذیات: ج مودیه، جانوران، آزار رسان

آب و آتش "را" اثر ممکن نگردد: را فک اضافه (=اثر آب و آتش)

ادّحار: ذخیره کردن

شرح و توضیحات بخش ۱ - ق ۱۰

سَمَاع: اشتغال به شنیدن نوازندگی و خوانندگی

سَفَط: سبد

مَؤْنَت: ۱ - هزینه ۲ - رنج

مَتَحَلَّى: آراسته

شِعَار: لباس زیرین

دَثَار: لباس رویین

تَعْفَف: پرهیزگاری

حَصِین: محکم

حَسَك: خارهای آهنی

شرح و توضیحات بخش ۱ - ق ۱۱

تمسک: دست در زدن

مقباح: ج قُبْح

تبعات: ج تبعت، نتایج

از سر شهوت برخیزد: شهوت را ترک کند

متاع غرور: کالایی فریبنده ، کنایه از دنیا

بر قضیت: به حکم

عواقب: ج عاقبت

شرح و توضیحات بخش ۱ - ق ۱۲

پای در سنگ نیاید: به مشکلی بر نخورد

از پیش چیزی برخاستن: آن چیز را ترک کردن

پشت پای زدن: ترک کردن

شرع کردن: وارد شدن

مصالح: ج مصلحت

معاش و معاد: دنیا و آخرت

به شره: با آز، قید است برای دهان باز کرد

شرح و توضیحات بخش ۱ - ق ۱۳

ضُجْرَت: تنگدلی

أَثْنًا: جمع ثَنِيٍّ: در وزن فِعْلٌ، میانه ها

مَتَعَدَّرٌ: دشوار

مَزُورٌ: مکار

حُكْمٌ: داوری

نَفَاذٌ: جاری شدن فرمان

وَزْنِيٌّ نِيَارِدٌ: ارزش و اهمیتی ندارد

وَخَامِتٌ: بد فرجامی

إِبْرَامٌ: ستوه آمدن (در متن)

شرح و توضیحات بخش ۱ - ق ۱۴

معهود: معمول

نعیم باقی: نعیم جهان باقی، باقی صفت جانشین موصوف

ساعتی: لحظه ای

ابا نماید: سرباز زند

نعیم: نرم و لطیف (در عبارت: دست نرم و نعیم)

خرقه: پارچه نرم، کهنه بچه

رضاع: شیر خوردن

شرح و توضیحات بخش ۱ - ق ۱۵

چهار دشمن متضاد از طبایع: چهار طبع در پزشکی قدیم؛

خون (دم)، بلغم، سودا، صفرا

هَدم: خراب کردن

فَتک: به ناگاه کشتن

قصد: سوء نیت

تجرّع: جرعه جرعه نوشیدن

شرح و توضیحات بخش ۱ - ق ۱۶

چه: زیرا (در عبارت "چه بزرگ جنونی")
بزرگ جنونی: صفت مقدم بر موصوف (جنونی بزرگ)

غبن: زیان

بر اطلاق: به طور کلی

تراجع: بازگشت

تقديم: به جای آوردن

با آنچه: با آنکه

کسری: معرّب خسرو، لقب پادشاهان ساسانی

شرح و توضیحات بخش ۱ - ق ۱۷

نقیبت: نفس، مونث نقیب

رجاحت: برتری

مقدّرت: قدرت

اقاضت: بهره دادن

اشاعه: پراکندن

اصطناع: نیکویی کردن

مالیدن: گوشمالی دادن

قمع: سرکوب کردن

ادبار: پشت کردن (بخت)

شرح و توضیحات بخش ۱ - ق ۱۸

وداع کردستی: وداع کرده است

مَدْرُوس: کهنه

لُؤْم: پستی

دِنَاءَت: پستی

مَسْتَذَل: خوار

شَرَّير: بسیار شذ

خَدِيعَت: فریب

مَهْجُور: جدا کرده شده

مَنْهَزَم: پریخته

مَتَّبُوع: پیروی شده

شرح و توضیحات بخش ۱ - ق ۱۹

مُحِق: حق به جانب

مبطل: باطل کننده

غدار: بی وفا

محیط گشت: احاطه پیدا کرد

خلاق: ج خلیقه، مخلوقات

پسودن: لمس کردن

أمنیت: آرزو

تیسیر: آسان کردن

شرح و توضیحات بخش ۱ - ق ۲۰

مُهْمَل گذاشتن: فرو گذاشتن

بی فتور: بدون سستی

جَدّ بلیغ: کوشش کامل

تعاقب: از پی هم آمدن

تقریب: نزدیک گردانیدن

آجال: ج اجل، مهلت ها

عماد: تکیه گاه

مَرَجع: بازگشت

شرح و توضیحات بخش ۱ - ق ۲۱

بو یحیی: مخفف ابو یحیی، کنیه عزرائیل

فزع: ترس و بیم

إنابت: توبه کردن

مُمَهَّد: آماده

نَسَق: ترتیب

یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا: ای وای بر ما، چه کسی
برانگیخت ما را از خوابگاهمان؟

شرح و توضیحات بخش ۱ - ق ۲۲

در امکان گنجد: ممکن گردد

راست کردن: انجام دادن

یاوم: یابم

استقصا: پی جویی

و الله تعالى أعلم: خدای بلند مرتبه داناتر است

آرایه های ادبی بخش ۱ - ق ۱

منافع و مضار: تضاد (س ۱۹)

معالجت و مواظبت: اعنات قرینه یا ازدواج (س ۳۵)

چنگال مشقت: اضافه استعاری (س ۳۷)

جهانی: مجاز به علاقه حال و محل (س ۳۸)

اقران و امثال: موازنه (س ۴۸)

علت گناه: اضافه تشبیهی (س ۵۳)

آرایه های ادبی بخش ۱ - ق ۲

همت و نهمت: موازنه و ازدواج از نظر لفظ و ترادف از نظر
معنی (س ۵۶)

استخوانهای پوسیده: مجاز به علاقه ماکان، اجداد (س ۶۲)
سجاده بر روی آب افکندن: کنایه از کار خارق العاده انجام
دادن

متاع غرور: کنایه از دنیا (س ۱۳۸)

موج ضلالت: اضافه تشبیهی (س ۱۴۸)

آرایه های ادبی بخش ۱ - ق ۳

تحسر و تاسف: موازنه از نظر لفظ، مترادف از نظر معنی
(س ۱۵۴)

بند شریعت: اضافه تشبیهی (س ۱۶۶)

بخش دوم

نام درس: باب الاسد و الثور (۱)

خلاصه بخش ۲ درس ۲ - ق ۱

رای هند (پادشاه) به برهمن (روحانی) می گوید برای من بیان کن داستان دو تن که دوست هستند ولی با دو بهم زنی سخن چین دوستی به دشمنی منجر می شود. برهمن داستان بازرگانی را نقل می کند که پسران خود را نصیحت می کند.

خلاصه بخش ۲ درس ۲ - ق ۲

پسر بزرگ بازرگان روی به تجارت آورد، با وی دو گاو بود؛ یکی شنزبه و دیگر نندبه، شتر پس از ماندن در گل و نجات از آن بانگی کرد که شیر دچار هراس شد.

خلاصه بخش ۲ درس ۲ - ق ۳

کلبله و دمنه با توجه به موقعیت و حالت شیر با یکدیگر گفتگو کردند، دمنه تصمیم گرفت موضوع را با شیر در میان بگذارد و چنین کرد.

شرح و توضیحات بخش ۲ - ق ۱

رای: راج، پادشاه هند

برهمن: پیشوای روحانی برهمایی

مَثَل: داستان

تضریب: دو به هم زنی

نمام: سخن چین

هر آینه: البته

اخوات: ج اخت، خواهران، مجازا ماندها

إِعْرَاضِ نمودند: روی برگردانیدند

شرح و توضیحات بخش ۲ - ق ۲

اغراض: ج غرض، خواسته ها

الفِغْدَن: گرد کردن

حُسْنُ قِيَامٍ: اقدام نیک

صِيَانَتٌ: حفظ کردن

مَهْمَلٌ: تباه شده

مُنَاقَشَتٌ: مجادله

تَعَهَّدٌ: تیمار داشت، غمخواری

تَثْمِيرٌ: بسیار کردن سرمایه

بِي وَجْهٍ: بی رویه

شرح و توضیحات بخش ۲ - ق ۳

مقادیر: ج مقدار

بتر ابد: بتر اود

عظت: موعظه

خلاب: باتلاق

انتعاش: بهبود یافتن بیمار

اصناف: ج صف، اقسام

رضوان: رضایت و خشنودی، در ادب فارسی به معنی خازن

بهشت، فراوان به کار رفته

شرح و توضیحات بخش ۲ - ق ۴

ماغ: مرغابی سیاه رنگ

زنگی: منسوب به رنگ، سیاه پوست

آینه روشن کند: آینه را جلا دهد

مدی: غایب

لا تجاوز: رد مشو

إذا انتهیت الی السلامة فی ملاک فلا تجاوز: چون در نهایت به

جایگاه با سلامت رسیدی مگذر

شرح و توضیحات بخش ۲ - ق ۵

اذا أَعْسَبْتَ فَاَنْزِلْ: هنگامی که به سرزمین سر سبزی رسیدی
فرود آی

بَطْرٌ: بی پروایی

بَطْرٌ آسایش: بی پروایی حاصل از آسایش

رَعْنًا: خوب صورت، خودپسند

اتِّبَاعٌ: جمع تابع و تبع

مَفَاوِضَتْ: گفتگو

شرح و توضیحات بخش ۲ - ق ۶

و هل بطن عمرو غیر شبر لمطعم: آیا شکم عمرو برای خوردنی بیش از وجبی است؟

دناءت همت: پستی اراده

زمره: گروه

بهایم: ج بهیمه، چارپایان

جبناء: ج جبان، ترسوها

مُروم: خواسته شده

شرح و توضیحات بخش ۲ - ق ۷

طیب ذکر: پاکیزگی یاد

خمول: گمنامی

تجشم: رنج بر خود نهادن

إذا عظم المطلوب قل المساعد: زمانیکه خواسته بزرگ گردد،

یاری کننده کم می شود

فراست: هوشیاری

شرح و توضیحات بخش ۲ - ق ۸

دلایل: ج دلالة (دلالت) به معنی راهنمایی کردن در فارسی
جمع دلیل به معنی برهان می گیرند.

هیأت: ج هیأت، شکل

مباشرت: اقدام

هنر: مهارت های جنگی

بر اطلاق: مطلقاً، بی قید و شرط

متحرّم اسم فاعل از تحرّم، حرمت بدست آورده

شرح و توضیحات بخش ۲ - ق ۹

اسلاف: ج سلف، پیشینیان

و است ابالی: اهمیتی نمی دهم

ادراک: دریافتن

تناولت: به دست آوردن

تجنب: دوری جستن

در شیشه کند: زندانی و ناتوان کند

مدارا: مصدر باب مفاعله، نرمی

شرح و توضیحات بخش ۲- ق ۱۰

تلقى: مصدر باب تفعّل، ملاقت کن

انگار: تصور کن

دالت: وسیله دلیری

همت مقصور کردن: کوشش را منحصر کردن

تقیح: زشت شمردن

تقریر: بیان

رزانت: سنگینی

خوض کردن: فرو رفتن

شرح و توضیحات بخش ۲- ق ۱۱

غور و غایله: عاقبت بد و زیانکار

انگیخته نماید: برجسته به نظر می رسد

ناخدای ترس: خدای ناترس

عنقا: مرغ خیالی و موهوم، سیمرغ

امضاء: گذرانیدن

خطیر: بلند مرتبه

ساد: آقا و بزرگ شده

شرح و توضیحات بخش ۲ - ق ۱۲

اقدام: دلیری کردن

خطر: ۱- سیم و گزند، ۲- مقام و منزلت

سود ده چهل: نفع چهار برابر

عمل سلطان: کار دیوانی

مهمّات: جمع مهمّه، کارهای بزرگ

جَرّ منفعت: جلب سود

انتفاع: سود بردن

شرح و توضیحات بخش ۲ - ق ۱۳

بشاییم: شایسته باشیم

معجب شد: در شگفت آمد

خامل منزلت: کم مرتبه (صفت مرکب)

کافه: جمع

حشم: کسان و چاکران مرد

رویت: اندیشه

اصطناع: جاه و مقام دادن

کافیان: کاردانان

شرح و توضیحات بخش ۲ - ق ۱۴

تأهیان: زیرکان

آرزیر: قلع

مطعون: سرزنش شده

نفاذ: جاری شدن

مکتسب: بدست آورده شده

ذات: نفس، وجود

معلول: بیمار

موذی: اسم فاعل از ابداء

آرایه های ادبی بخش ۲ - ق ۱

آب حلم: اضافه تشبیهی

شیطان هوا: اضافه تشبیهی، هوا به شیطان تشبیه شده است

نقاب خاک: اضافه تشبیهی

من همچو خارم و حکم و تو آفتاب و ابر: تشبیه جمع (یک چیز به چند چیز دیگر مانند شده است)

آرایه های ادبی بخش ۲ - ق ۲

از دست ملوک بر او مرکبی سازند: کنایه از بزرگداشت و مکرمت است.

بخش سوم

نام درس: الاسد والثور (۲)

خلاصه درس ۳ - ق ۱

دمنه به شیر نزدیک شد، در همین حال شنزبه بانگی بکرد که شیر را متغیر نمود، دمنه گفت: حکایت این صدا حکایت روباه و طبل میان تهی است. شیر گفت: باید صاحب صدا را شناسایی کرد. دمنه نزد گاو آمد و از او دعوت کرد به پیش شیر بیاید.

خلاصه درس ۳ - ق ۲

کليله گفت: بايد گاو را هلاک کرد، همچنانکه زاغی می خواست ماری را که بچه هایش را می خورد، مجازات کند به شغالی گفت می خواهم چشم مار را بکنم، گفت: مواظب باش جان خود را از دست ندهی و حکایت تو مانند مرغ ماهیخوار نشود که جان خود به باد داد.

شرح و توضیحات بخش ۳ - ق ۱

الف: خو گرفتن

موجب: اسم فاعل از ایجاب

تمالک: خود را نگه داشتن

ترکیب: به هم پیوستن

مُقام: مصدر میمی، اقامت

رَبِیت: شک

مألوف: الفت گرفته

تَصَلَّف: خود ستایی

طمع در بست: طمع کرد

چربو: چربی

شرح و توضیحات بخش ۳ - ق ۲

هایل: ترساننده

متقسم: پراکنده

مُقَدَّد: اسم مفعول از تقلید، مأمور

شریر: صیغه مبالغه، بسیار شر

اکفاء: همانندان، جمع کُفُو

التجا: پناه

اختبار: آزمودن

بسطتِ حال: گشایش حال

نخوت: تکبر

شرح و توضیحات بخش ۳ - ق ۳

حمل کردن: نسبت دادن

أذنب: دُمها، ج ذنَّب

مَعَالَى: مقامات بلند، ج مَعَالَاة

كفَاءت: هم رتبه بودن

مثال دادن: فرمان دادن

تقاعد: بازنشستن

شرایط: ج شریطه، پیمانها

یاوی: یابی

استکشاف: تجسس

شرح و توضیحات بخش ۳ - ق ۴

مُنِيف: اسم فاعل از باب افعال از مصدر انافه، بلند و دراز

اصطفاء: مصدر باب افتعال از ریشه صفو، برگزیدن

اجتباء: مصدر باب افتعال از ریشه جَبی، برگزیدن

مِفْرَش: بستری که بگسترند

مَفْرَش: هر چیز گستردنی

شرح و توضیحات بخش ۳ - ق ۵

بذادر: برادر

محنت: آزمایش

لطایف: ج لطیفه

بدایع: ج بدیعه، تازه و نو

تمویهات: ج تمویه، دروغ آرایی ها

اصحاب: ج صاحب، یاران

گرم شکمی: پر خوری

سابق: اسم فاعل از سبقت، پیشین

احواز: دارا شدن

شرح و توضیحات بخش ۳ - ق ۶

رگت: سستی

مستزید: اسم فاعل از باب استفعال مصدر استزادت، زیادت
خواه، رنجیده

حرمان: بی بهرگی

ناپیوسان: غیر منتظر

کراهیت: مصدر ثلاثی مجرد (بدون تشدید درست است)

غُلُوٌّ: تجاوز از حد

مجامله: خوش رفتاری

شرح و توضیحات بخش ۳- ق ۷

استیلا: مصدر باب استفعال از ریشه "ولی"، چیره شدن

شُجَعان و شَجَعان: دلیران

متنّبی: شاعر دوره عباسی (وفات ۳۵۴ هـ)

به تو نرسیده است؟: تو نشنیده ای؟

شِکریدن: شکار کردن، شکستنی

جان شکر: صفت فاعلی مرکب مرخم

شرح و توضیحات بخش ۳ - ق ۸

پنج پائیک: پنج پایه، خرچنگ

خِصَب: فراوانی گیاه

عَوَض: جانشین

پایمرد: دستگیر

قوام: مایه استواری

مستشار: اسم مفعول از باب استفعال "استشارات"، طرف مشورت

المستشار مومتَن: طرف مشورت، ایمن شمرده شده است

شرح و توضیحات بخش ۳ - ق ۹

تناسل: تولید مثل کردن

صورت بستن: قابل تصور بودن

پرده در: فاش کننده اسرار (صفت فاعلی مرکب مرخم)

اغماز: بسیار سخن چین

عَلَّتْهَا: بوزد بر آن

أَبَدَتْ: آشکار می کند

حُبُّكُ: جمع حباک، راه ها

جواشن: جوشنها

مصقول: صیقل زده

شرح و توضیحات بخش ۳- ق ۱۰

حواشی: حاشیه ها

لا یبلغ: نمی رسد

السمک: ماهی

محصور: محبوس

قاصی: دور

دانی: نزدیک

تحویل: جابجا کردن

مظاہرت: پشتیبانی

چشم عبرت: اضافه اقتراانی

ظُفْرُ و ظُفْرٌ: ناخن، جمع آن اظفار و جمع الجمع آن اظافیر

شرح و توضیحات بخش ۳- ق ۱۱

بد گوهر: بد ذات

کوشش: جنگ

حمیت: مردانگی

مطعون: سرزنش شده

از هوا در آمد: از هوا به زمین سقوط کرد

مالک: مراد مالک دوزخ است

سرخویش گرفت: در پی کار خود رفت

تعزیت: مصدر باب تفعیل، تسلیت دادن

همگنان: ج همگن، همه

شرح و توضیحات بخش ۳- ق ۱۲

انّ الحیاة المرء بعد غدوّه/ان کان يوماً واحداً کثیر همانا که
زنده بودن آدمی پس از مرگ دشمنش، اگرچه یک روز
باشد، بسیار است.

بد سگال: بد اندیش

در حال: فوراً

آرایه های ادبی بخش ۳- ق ۱

عنان تمالک: اضافه استعاری

تمالک و تماسک: اعنات قرنیه یا ازدواج

قبول و اقبال: جناس شبه اشتغال

هر روز منزلت وی شریف تر و در جهت وی منیف تر:

صنعت موازنه

دست حسد: اضافه استعاری

سرمه بیداری: اضافه تشبیهی

آرایه های ادبی بخش ۳ - ق ۲

فروغ خشم: اضافه تشبیهی

آتش غیرت: اضافه تشبیهی

اصطفاء و اجتناب: سجع متوازی و اعنات قرینه

دست و چشم، سرمه و چشم، فروغ و آتش: مراعات نظیر

جمال حال: اضافه استعاری

نوردیده، میوه دل: کنایه از فرزندان

آرایه های ادبی بخش ۳ - ق ۳

لئیم ظُفر: کنایه از پست فطرت

خون: مجاز به اعتبار ما یکون، قتل

بخش چهارم

نام درس: الاسد والثور (۳)

خلاصه درس ۴ - ق ۱

دمنه گفت: آنچه به حيله مى توان كرد به قوت ممكن نباشد. و
كليله جواب داد كه گاو هم قدرت دارد و هم عقل، پس نمى
شود بر او تسلط يافت. دمنه در جواب حكايه خرگوشى را
مى آورد كه به حيلت شير را در چاه انداخت.

خلاصه درس ۴ - ق ۲

دمنه در صحبت با شیر، حکایت سه ماهی را می آورد که دو تا حازم و یکی عاجز بود. آن دو که دور اندیش بودند خود را از دست صیادان نجات دادند و آنکه عاجز بود، به دام افتاد.

شرح و توضیحات بخش ۴ - ق ۱

مغرور: فریفته

کمین غدر: اضافه اقتراانی

جای گیر: صفت فاعلی مرکب مرخم، موثر

عکس: انعکاس

کوکب: شکوفه، ستاره

شَرِق: نورانی، شاداب

مُؤَزَّز: پوشیده شده

عمیم: انبوه

عمیم النبات: گیاهان انبوه

شرح و توضیحات بخش ۴ - ق ۲

مُکتهل: کملا رشد کرده (از ریشه کهل)

شنگرف: جسمی است سیاه، گرد آن سرخ یا قهوه ای است

بخور: ماده خوشبوی، ج آن آبخره و بخورات

چراخور: چراگاه

منعص: ناخوش

چاشت: یک چهارم روز

شرح و توضیحات بخش ۴ – ق ۳

سکنات: ج سَكِنَة، سکونها

نقض عهد را در خاک می جست: بدنبال شکستن پیمان می
گشت، دنبال بهانه بود

اولی تر: سزاوارتر (کاربرد علامت تفضیلی فارسی با فعل
تفضیل عربی)

جَموم: چاه پر آب (جمّ = زیاد)

شرح و توضیحات بخش ۴ – ق ۴

قد تَنَمُّ: نمّامی می کند

قذاة: خاشاک

يُظهِرُ: آشکار می کند

صَفوها: روشنی آن

حصاة: سنگریزه ها

خیال: شبیح، تصویر

غوطه دادن: غرق کردن

قارون: معاصر موسی که با نفرین او با گنج در زمین فرو رفت

خاک خورد: صفت مفعولی مرکب مرخم

شرح و توضیحات بخش ۴ - ق ۵

طیب: خوشی

عُداة: دشمنان، ج عادی

زینهار: دور باش (صوت برای تحذیر)

مخدوم: آقا، سرور

کلمه: سخن

خلاء: جای خلوت

دُژم: افسرده

مُقبل: صاحب اقبال

ثقة: اعتماد کردن

شرح و توضیحات بخش ۴ - ق ۶

لوازم: ج لازم و لازمه، ضروریات

مناصحت: نصیحت کردن

مُسْتَثْنَى: جدا شده، مشخص

الرائد لا يكذب اهله: راهنمای کاروان به مردم خود دروغ نمی گوید.

كافه: جميع

فاقة: فقر

وفور: فراوانی

شرح و توضیحات بخش ۴-۷ ق

خصایص: ج خصیصه، ویژگیها

مُطلق: آزاد شده

هوای عصیان: اضافه تخصصی، هوایی که از عصیان ناشی می شود.

تبع: جمع تابع، پیروان

حدوث: نو پیدا شدن

معاینه: به چشم دیدن چیزی را

خواتم: ج خاتم، پایانها

شرح و توضیحات بخش ۴ – ق ۸

فواتح: ج فاتحه، آغازها

اصابت: رسیدن

اول الفكر آخر العمل: اول اندیشه خردمند پایان کار است
(آخر بینی)

مقبلة: در پیش آمدن

قبضه: مشت

پایاب: ته آب

وجه تدبیر: راه چاره

شرح و توضیحات بخش ۴ – ق ۹

متردد رای: صفت مرکب، پریشان فکر

نَهْمَت: منتهای آرزو

جال: دام

دستبرد: مصدر مرکب مرخم، چابک دستی

جافی: جفاکار

شوخ چشمی: بی شرمی

سَبک: به چابکی

غور: فرو رفتن

عاطل: بی پیرایه

شرح و توضیحات بخش ۴ – ق ۱۰

مکاید: ج مکیده، مکرها

سِتان: به پشت خوابیده

مُکنت: قدرت

آبدار: (درباره شمشیر) جوهر دار

زاد و بود: وطن، ترکیب عطفی

لواحق: ج لاحقه، پیوسته ها

ندی: بخشش

شرح و توضیحات بخش ۴ – ق ۱۱

وضع الندی فی موضع السیف بالعلی / مضرٌ کوضع السیف فی موضع الندی: اگر کسی در عوض شمشیر بخشش کند و به جای بخشش شمشیر به کار برد به بزرگی خود صدمه زده است.

شرح و توضیحات بخش ۴ – ق ۱۲

عُیْت: ت. انگری

فضول: فزونی جستن

نص تنزیل: لفظ صریح قرآن

ان من شیء: نیست چیزی

ان الانسان لیطغى ان راه استغنى: بدرستی که انسان عصیان می ورزد به اینکه خود را بی نیاز ببیند.

شرح و توضیحات بخش ۴ – ق ۱۳

کژ مزاج: کج طبع (صفت مرکب)

تکلیف: به رنج افکندن

تکلف: رنج بر خود نهادن

مرضی: مورد پسند

اناء: ظرفها

بی محابا: بی پروا

علت زمین ترسود: بیماری او طولانی می گردد

مواسا: یاری گری، مصدر باب مفاعله

شرح و توضیحات بخش ۴ – ق ۱۴

خَلِيقٌ: جمع خلیقه، آفریدگان

بَطْرُ نِعْمَتٍ: سرکشی حاصل از ناز و نعمت

جُعْتُنَّ: گرسنه شدید

دَفَعْتُنَّ: تن به خواری می دهید

شَبَعْتُنَّ: سیر شدید

خَجَلْتُنَّ: کار شرم می کنید

مِفْرَاحٌ: بسیار شادمان (صیغه مبالغه)

شرح و توضیحات بخش ۴ – ق ۱۵

مَنَّا: منت گذارنده

انعما: نعمت می بخشید (الف در آخر انعم "الف" اِشباع است

مهنا: گوارا

عُدَّت: ساز و برگ

فایت: فوت شده

فرايض: واجبات، ج فریضه

تلافی: جبران کردن

خِداع: مصدر باب مفاعله، فریب دادن

شرح و توضیحات بخش ۴ – ق ۱۶

بختِ جوان: بخت مساعد

یاره: دست بند (بازو بند) پادشاهی، اضافه اختصاصی

لا یسلّم: سالم نمی ماند

یُراق: ریخته شود

اصغاء: گوش دادن

دالت: گستاخی

ذمام: حق

شرح و توضیحات بخش ۴ – ق ۱۷

أهل النهی: اهل خرد

نم: عهدها، ج نمّه

احکام توان داشت: می توان روا داشت

رگت: ضعیف شدن

آرایه های ادبی بخش ۴ - ق ۱

یاقوت: استعاره از قطرات درشت باران (س ۱۰)

مینا: استعاره از سبزه ها (س ۱۰)

شنگرف: استعاره از گلبرگهای سرخ رنگ (س ۱۰)

زنگار: استفاده از برگهای سبز درختان (س ۱۰)

چشم هوا: اضافه استعاری (س ۱۱)

دایه باغ: استعاره از ابر (س ۱۱)

آرایه های ادبی بخش ۴ - ق ۲

بچه خار: استعاره از گل سرخ (س ۱۱)

دیو فتنه: اضافه تشبیهی (س ۷۰)

گردن کارها: اضافه استعاری (استعاره مکنیه)

قبضه: مجازا یعنی کف دست، دست

پیرایه خرد: ذخیره تجربت، اضافه تشبیهی

بخش پنجم

نام درس: باب الاسد و الثور (۴)

خلاصه درس

دمنه شیر را به از بین بردن گاو تحریک می کند. دمنه اجازه خواست تا شیر را ببیند او را دید و گفت و گو کرد. گاو گفت: شیر در حق من خوبی می کند مگر اینکه اطرافیان نگذارند.

همچنان که گرگ و زاغ و شگال، اشتر بازرگان را از پای در آوردند.

شرح و توضیحات بخش ۵- ق ۱

رزق: دو رنگی

شعوذه: شعبده بازی

خوره: مرضی که در بُن دندان، آنرا سست می کند

قلع: کندن

غَثَّیان: شوریدن دل

قذف: سنگ انداختن

تمرّد: سرکشی

توّدّد: دوستی

شرح و توضیحات بخش ۵- ق ۲

کاره: اسم فاعل از کُره، ناپسند دانده

برائت: بیزاری

برائت ساحت: بی گناهی

خیار: اختیار کردن

بیش دست ندهد: دیگر ممکن نمی شود

مهابت: شکوه

ظُنَّ: گمان مبر

سائر: همه

اخوان: ج اخ، برادران

شرح و توضیحات بخش ۵- ق ۳

لا تَأْمَنُ: امین مدار

فواد: دل

مُكَابِرَه: جنگ کردن

مُتَشَمِّرٌ: دامن به کمر زده

حدود: جزاهای شرعی و عرفی

تَثْبِتٌ: درنگ کردن

نَظْرَتٌ: یک بار نگرستن، ج آن نظرات

متعذر: دشوار

خَفِيَّةٌ: پنهان

أَسْرًا: پنهان کرده است

شرح و توضیحات بخش ۵- ق ۴

یَبُوْحُ: آشکار می سازد

مَتَلَوْنٌ: رنگ عوض کننده

سره کردن: تفتیش کردن

بر بسته میان: آماده (قید حالت)

ناوک: (= ناو+ک: پسوند تصغیر و نسبت و شباهت) نوعی

تیر کوچک

بر باد نشاند: تحریک کند

شرح و توضیحات بخش ۵- ق ۵

تَنَسُّمٌ: استنشاق نسیم

اجازت کردن: روا شمردن

تَرْحِيبٌ: مرحبا گفتن

فَزَعٌ: ترس

جَفًّا: خشک شد

مَعْرِضٌ: محل نمایش شیء

مَفْتُونٌ: عاشق

فَتَّانٌ: سخت فتنه جو

مَخَالَطَةٌ: آمیزش با کسی

شرح و توضیحات بخش ۵- ق ۶

إعلام: آگاهانیدن

معهود: شناخته شده

مشفق: دلسوز

کریم عهد: صفت مرکب، وفادار

تجبر: سرکشی

لایح تر: آشکارتر

حفاظ: نگهداری کردن

مواثیق: عهدها، ج میثاق

آغالیدن: شورانیدن

شرح و توضیحات بخش ۵- ق ۷

تمویه: باب تفعیل از “موه”، آب دادن، ظاهر سازی

مِصداق: محل صدق

سخط: غضب

استرضاء: خشنودی

زُور: دروغ

مفاوضت: شرکت کردن در کاری، گفتگو

تحرز: خویشتن داری

زَلَّت: لغزش

شرح و توضیحات بخش ۵- ق ۸

مَجَال: محل جولان، میدان

تجاوز: عفو

اغماض: چشم پوشی

مشاطه: شانه کننده

جنایت: گناه کردن

توقیر: بزرگ داشتن

زایل شدن: نابود شدن

عارضه: بیماری (در متن)

رخصت: سهل انگاری (در متن)

میامن: برکت ها (ج میمنت)

شرح و توضیحات بخش ۵- ق ۹

سکرات: مستی ها

مأخوذ: گرفتار

و ما السلطان البحر عظماً/ و قربُ البحر محذور العواقب:

پادشاه در بزرگی مانند دریاست، نزدیک شدن به دریا

عواقب ترسناکی دارد

تگ: دویدن

عنا: رنج

شرح و توضیحات بخش ۵- ق ۱۰

کفتار: پستانداری از راسته گوشتخواران که به آواز علاقه دارد و همین سبب گرفتاری اوست

حِسان: نیکوان، ج حَسَن و حسناء

حُسَد: حسودان

امائل: نیکوکارتران، ج أمثل

أراذل: ناکسان، ج ارذل

ریاح: بوی خوش

شرح و توضیحات بخش ۵- ق ۱۱

جُعَلْ: سرگین گردانک

عدیل: نظیر

الفواضل: ج فاضله، بخشش

شرزه: خشمناک

سُخره: فرمانبردار

سلّه: سبد

متیقظ: بیدار شونده

مقتجم: بی پروا

مُحترز: دوری کننده

جبان: ترسو

فاقه: نیازمندی

شرح و توضیحات بخش ۵- ق ۱۲

متموّل: دارنده مال

خصوم: دشمنان (جمع خصم)

کامگار: خودکامه (در متن)

ورطه: هلاکت، جای هلاکت

فائل: سست

لا أُطيق: نمی توانم

غلاب: غلبه کردن

معنبر: عنبر آلود

مشعوف: دلباخته

شرح و توضیحات بخش ۵- ق ۱۳

کَفَاف: آن اندازه روزی که انسان را بس باشد

رَیْع: افزونی

مَعْمًا: اسم مفعول از تعمیه، سخن رمزآمیز

صورت گرمابه: تصویری که بر روی دیوار گرمابه ها در

قدیم نقش می کردند

شارع: راه راست

عامر: آباد

شرح و توضیحات بخش ۵- ق ۱۴

استمالت: دلجویی

استکشاف: جستجو کردن

إلف: خو گرفتن

تاویل: بهانه (در متن)

حکما: ج حکیم

مَخْرَج: جای بیرون آمدن

وَصَمَت: ننگ

مخافت: ترسیدن

بوار: هلاک شدن (مخافت بوار: اضافه تحصیصی)

آرایه های ادبی بخش ۵- ق ۱

زندان دهان: اضافه تشبیهی

گناه ظاهر را عقوبت مستور و جرم مستور را عقوبت ظاهر:
قلب مطلب

تیشه بر پای زدن: بر هم زدن کار و بار خود

تنسم: مجازا خبر جستن

تهور و تجبر: اعنات قرینه یا ازدواج

آرایه های ادبی بخش ۵- ق ۲

جمال عفو، جمال احسان: هر دو اضافه استعاری

بخش ششم

نام درس: باب الاسد و الثور (۵)

خلاصه درس

گاو پس از بیان حکایت از بین بردن شتر می گوید جنگ و مقاومت تنها راه است. دمنه گفت: شتاب مکن که این به نفع تو نیست و شتاب برای تو مانند حکایت بطن و باخه است که به نابودی باخه انجامید.

شرح و توضیحات بخش ۶- ق ۱

به دست آمد: تسلیم شد

سامه: جای امن

فدا: سر بها، بلا گردان

کفران نعمت: حق شناسی

ایادی: جمع آیدی و آن خود جمع ید است (جمع الجمع)، دستها

دراز گردن کشیده بالا: صفات مرکب برای شتر

شرح و توضیحات بخش ۶ - ق ۲

دَمدمه: حيله

فُقَاع: شراب حاصل از جو و مویز و جز آن

سَدِّ رَمَق: حفظ حیات

نمط: روش

منوال: روش

خُنَاق: دیفتری

هلاهل: نوعی زهر کشنده

اشتر این دم چون شکر بخورد: شتر به راحتی فریب خورد

شرح و توضیحات بخش ۶ - ق ۳

یک کلمه شدند: متحد شدند

عبارت می کنی: سخن می گویی

أغراض: مقاصد، ج غرض

وجه دفع: راه دفاع

توقی: پرهیز کردن

کارد به استخوان رسیدن: شدت یافتن سختی

حمیت: مردانگی

مثوبات: ج مثوبه، پاداش نیک

شرح و توضیحات بخش ۶ - ق ۴

مباشرت: اقدام کردن

گرد خصم در آمدن: تعقیب کردن دشمن

اقتحام: خود را به سختی در افکندن

غایله: آسیب

غایت محاربت: ترکیب اضافی، اضافه تخصیصی، آسیب
جنگ

وکیل دریا: فرمانروای دریا

شرح و توضیحات بخش ۶ - ق ۵

انصاف شدن: حق خود را گرفتن

حصین: استوار

باخه: لاک پشت

فیضهنّ: فرو ریختن آنها

لأحرقت: می سوزانید

اکباد: ج کبد، جگرها

مضرت نقصان: اضافه تشخیصی

رنج هجران: اضافه تخصیصی

شرح و توضیحات بخش ۶ - ق ۶

مأل: جای بازگشت، عاقبت امر

دم طَرَقَم: دم فروبندم

دل در سنگ شکنم: خاموش باشم

سودا: مونت آسود، یکی از اخلاط چهارگانه، خیال باطل

صفرا: مونت اصفر، رنگ زرد، یکی از اخلاط چهارگانه

صفرا تیز کرد: خشمگین شد

شرح و توضیحات بخش ۶ - ق ۷

منايا: ج مَنِيه، مرگ ها
لا تطيشُ: به خطا نمی رود؟
اهتراز: تکان
ميمونُ النقيبه: مبارک نفس
مُنجح: پیروزمند
سنا الشمس: بلندی خورشید
أدرکُ: در می یابم
سؤلی: حاجت خود را
جَبهه: پیشانی
ورد: سرخ

شرح و توضیحات بخش ۶ - ق ۸

اتفاق را: اتفاقاً

سیمت: نشان

تفرقه کلمه: اتفاق نظر

رفق: مدارا

استیلا: چیرگی

استعلا: بلندی خواستن

تعرض: به امری پرداختن

تحرّز: خویشتن داری

تجنّب: دوری جستن

شرح و توضیحات بخش ۶ - ق ۹

تحریر: برانگیختن

غباوت: ابلهی

چرب سخنی: خوش سخنی

اعجاب: خودبینی

عشوه: فریب دادن

انتباه: بیدار گشتن

معایب: عیب ها، ج معاب و معابه

مقابح: جمع قبح بر خلاف قیاس، زشتی ها

شرح و توضیحات بخش ۶- ق ۱۰

منظر: محل نظر

مَخْبَر: درون هر چیز

جائر: ستمکار

مهذب: پاک شده از عیوب

فِظَاظَلَت: درشتخویی

داء: بیماری

نوک: کودنی

ظلام: تاریکی

عنان گشاده: تازان

رکاب گران کرده: تند رانده

شرح و توضیحات بخش ۶- ق ۱۱

شیخون: حمله ناگهانی در شب

یراعه: کرم شب تاب

تقویم: راست کردن

شمشیر بر سنگ آزمایش: تجربه ای زیانبار کند

شکر در زیر آب پنهان کند: با زیان روبرو شود

ترکت ارای بالری: سخن ابومسلم پس از گفتاری در بغداد

شرح و توضیحات بخش ۶- ق ۱۲

ترکت ارای بالری: رای راست را در شهر ری به جا گذاشتی

پشت دست خاییدن: اظهار ندامت

مُغَفَّل: غافل

بَدْرَه: کیسه زر

سود ناکرده: نفع بی زحمت

سره: بی عیب

اتقان: محکم کردن کار

شرح و توضیحات بخش ۶- ق ۱۳

دفینه: گنجینه

نفیر: فریاد

سرای حُکم: سرای قضاوت

زر دعوی کرد: ادعای پول کرد

آرایه های ادبی بخش ۶- ق ۱

در کوزه فُقّاع کردن: کنایه از فریب دادن
دست روزگار، رخسار حال: اضافه استعاری
میان واژه های فرقت و هجرت، سجع متوازی و ازدواج
وجود دارد
میان درّ و گوهر، مراعات نظیر وجود دارد
غبار شبّهت: اضافه تشبیهی

آرایه های ادبی بخش ۶ - ق ۲

دواسیه: کنایه از سرقت بسیار

میان داء و دواء: جناس زاید

شاه سیارگان: کنایه از خورشید

نقاب ظلام: اضافه تشبیهی

سپاه زنگ: استعاره از شب

لشکر روم: استعاره از روز

آرایه های ادبی بخش ۶- ق ۳

باد شمال عنان گشاده: استعاره مکنیه

زبان خرد: اضافه استعاری (مکنیه)

بخش هفتم

نام درس: باب الاسد و الثور (٦)

خلاصه درس

داستان دو تن کخ یکی زیرک بود و زر دوست خود گرفته بود و انکار می کرد. مرد خیانتکار به میان درخت رفته بود و تسلیم شد. کشتن مار جفا کار بوسیله راسو. تسلیم کردن بازرگان، دوستی را که آهن او را فروخته بود و گفته بود که موش خورده است.

شرح و توضیحات بخش ۷- ق ۱

مجادله: ستیزه

میعاد معینی گشت: زمان و عده تعیین شد

به گواهی درخت حکم کند: بنا به شهادت درخت قضاوت کند

تعلق: دلبستگی داشتن

هم چندان: همان قدر

محتال: حيله کننده

مباد: مبادا

غوک: قورباغه

شرح و توضیحات بخش ۷- ق ۲

تحویل: جابجا کردن

موضع: جا

بُقعَت: جای، مقام

نزه: پاک

صحن: عرصه

مرصع: گوهر نشان

زمرّد: از سنگهای قیمتی به رنگ سبز

مینا: آبگینه الوان، ترکیبی از لاجورد و طلا

شرح و توضیحات بخش ۷- ق ۳

مُكَلَّل: تاج بر سر نهاده

بُسَد: مرجان

كهربا: ماه ربا، بیجاده

زمزم: چاه‌یست در مکه، واقع در جنوب شرقی کعبه که
حاجیان از آب آن تبرکاً می نوشند

کوثر: نام چشمه ای در بهشت

شرح و توضیحات بخش ۷- ق ۴

عنبر: ماده ای خوشبو که از روده یا معده ماهی عنبر گرفته می شود

کافور: ماده معطر جامدی که از برخی گیاهان از قبیل ریحان و بابونه استخراج می شود

نا پسوده: لمس نکرده

دبور: بادی که از مغرب وزد

شرح و توضیحات بخش ۷- ق ۵

راسو: پستانداری از راسته گوشتخواران از تیره سموریان
یکی ماهی چند بگیر: یکبار چند ماهی بگیر، یکی (قید زمان)
راسو را عادت بازخواست: عادت، راسو را طلب کرد
خو کردگی: اعتیاد

شرح و توضیحات بخش ۷- ۶ ق

دراز کشی: اطاله کلام

شره: حریص شدن

مهمل گذاشتن: فرو گذاشتن، ترک کردن

ارتکاب: شروع به کاری کردن

محظور: ممنوع

طریقت: روش

بر حسب: مطابق

گرد درخت بر آمد: اطراف درخت را جستجو کرد

شرح و توضیحات بخش ۷- ق ۷

دالت: نازش، دستاویز (در متن)

کرامت: بزرگی، کار خارق العاده ای که به دست "ولی" انجام
گیرد در مقابل معجزه

کار به جان رسیدن: نزدیک به مرگ شد

استمالت نمود: دلجویی کرد، حذف شناسه به قرینه لفظی

شرح و توضیحات بخش ۷- ق ۸

کوتاه دستی: عدم تجاوز به مال و عرض کسان

نعیم: وسیله خوشی

دار النعیم: خانه پر نعمت

ادب: تأدیب، تنبیه

بلیغ: رسا

تعریک: گوشمالی دادن

شرح و توضیحات بخش ۷- ۹ ق

تعزیر: گوشمال دادن، مجازات شرعی که مقدار آن معین نیست بر خلاف "حد" که مقدارش معین است

تقدیم افتاد: به عمل آمد

برکت: خجستگی

یمن: نیک بختی

نا محمود: ناستوده

شرح و توضیحات بخش ۷- ق ۱۰

ما للرجال و للکیاد؟ و انما/ یعتدُّ النسوانُ من عاداتها: چه کار مردان را با مکرها و حیلها همانا آنان را زنان از عادت خویش می شمارند.

کیاد: جمع کید

یعتدُّه: می شمارند آنرا

النسوان: زنان

شرح و توضیحات بخش ۷- ق ۱۱

خبت ضمیر: ناپاکی درون

تبعث: بره، فرجام بد

دو رو: منافق

وصلت: پیوند، تلفظ صحیح این کلمه در عربی وُصلت است

کاریز: مجرای آب در زیر زمین

دیو مردم: صفت مرکب، مفسد

شرح و توضیحات بخش ۷- ق ۱۲

فسق: ترک اوامر پروردگار

فجور: برانگیخته گردیدن بر گناه

تعهد: تیمار داشتن

دندان نمودن: خشم خود را نشان دادن

آزم: شرم

ملازم باید گرفت: بایستی برخورد لازم شمرد

شرح و توضیحات بخش ۷- ق ۱۳

محتشم: دارای شکوه و عظمت

ظلّ: سایه

در ظلّ دولت او: در سایه اقبال او

دست در کمر کسی زدن: با او به مبارزه برخاستن

آب شرم در چشم کسی نبودن: بی حیا بودن

باز: پرنده شکاری

اندک مال: صفت مرکب

شرح و توضیحات بخش ۷- ق ۱۴

ودیعت: سپرده، ج آن ودایع

پیغوله (= بیغوله): گوشه ای در خانه، ویرانه

خاییدن: جویدن

دل برداشتن: قطع علاقه

پیاده: ضعیف (در متن)

لافگه: جای لاف

اهمال حق: اضافه مصدر به مفعول، ترک کردن حق را

شرح و توضیحات بخش ۷- ق ۱۵

غمازی: سخن چینی

سُخره: مسخره، اسیر

پیشه ینان: سغل انگشتان، یعنی نویسندگی

شقاوت: بدبختی

اخیار: ج خیر و خیر، نیکان

کیمیا: یکی از علوم خفیه قدما که اجسام ناقص را به کمال
رساند

شرح و توضیحات بخش ۷- ق ۱۶

کیمیا: اکسیر، قلع را به نقره و مس را به طلا تبدیل می کند

بَزَد: وَزَد

پارگین: گودال و چاهی که آبهای ناپاک و کثیف در آن جمع

گردد، در تداول امروز فاضلاب

مسامع: جمع مسمع و مسمعه، گوش ها

شرح و توضیحات بخش ۷- ق ۱۷

فورت: شدت، جوشش

کیاست: زیرکی

مصیب: آنکه کار او درست باشد

توجّع: نالیدن از درد

تحسّر: دریع خوردن

الغلیل: سوزش و حرارت درون

ادّع: ترک کنم

حرقه: سوزش

ذات تلّهّب: صاحب زبانه

شرح و توضیحات بخش ۷- ق ۱۸

فان ابکِ لا اَشْفِیَ الغَیْلَ و اِنْ اَدْعُ/ اَدْعُ حُرْقَةً فِی القَلْبِ ذَاتِ
تَلْهُبٍ: اگر گریه کنم شفا نمی دهم سوزش اندرون را و اگر
ترک کنم گریستن را، به جا نهاده ام سوزشی زبانه کشنده
را در قلب خود.

شرح و توضیحات بخش ۷- ق ۱۹

دلایل: ج دلالت، در فارسی این کلمه را جمع دلیل گیرند به
معنای برهانها

شبّهت: پوشیدگی امر، شک

خرامان: با ناز و تکبر رونده

رقت: نازکی، لطافت

روی بازار: بهترین و شریفترین

شرح و توضیحات بخش ۷- ق ۲۰

اتباع: جمع تابع و تبع، پیروان

روی بازار اتباع: بهترین پیروان

اعادی: جمع الجمع است (جمع اعداد و آن خود جمع عدو)،
دشمنان

شرح و توضیحات بخش ۷- ق ۲۱

فتیَّ كان فيه ما يسرُّ صديقهَ/ على أنَّ فيه ما يسوءُ الأعدايا:
جوانی که در وی بود آنچه شاد دوست را با این که در او
بود آنچه غمگین کند دشمنان را

ارتیاح: شادمانی

اعتداد: فخر

شرح و توضیحات بخش ۷- ق ۲۲

قلاید: گردن بندها (ج قلاده)

مفاخر: مایه تازیدن ج مفخره

مآثر: آثار نیک ج مآثره

روزنامه: کتابی که وقایع روز در آن ثبت شود

کارنامه: کتاب اعمال

مطرز: مزین

شرح و توضیحات بخش ۷- ق ۲۳

ألف: خو گرفتن با کسی

الف بیشتر ندارد: چندان الفتی ندارد

زُفت: تند، بدمزه (صفت برای دارو)

داروی ناخوش: داروهای ناخوشایند

قبض: به پنجه گرفتن

مبانیت: از یکدیگر جدا شدن

شرح و توضیحات بخش ۷- ق ۲۴

فضیحت: عیب، رسوایی

زرق: نفاق

قصاص: مجرم را مانند جرم مرتکب شده مجازات کردن

مَنْ يَضْرَعُ الشُّوكَ لَا يَحْصِدُ بِهِ عَنبًا: کسی که خار بکارد از
ان انگور برداشت نمی کند

شرح و توضیحات بخش ۷- ق ۲۵

عواقب: جمع عاقبت

خواتم: جمع خاتم، پایانها

بد سگالی: بدخواهی

کید: مکر کردن

به روی او رسد: به شخص او می رسد

بَغی: ستم

یَصْرَعُ: بر زمین می زند

مرتع: چراگاه

وخیم: ناپسند

شرح و توضیحات بخش ۷- ق ۲۶

والبغیٰ یصرعُ اهلَهُ/ والظلمُ مرتعُهُ وخیم: ستم بر زمین می زند
اهل خود را و ظلم چراگاهش ناگوار است

آرایه های ادبی بخش ۷- ق ۱

زمرد و مینا (در جمله های صحن آ « مرصع به زمرد و مینا
...): استعاره از سبزه ها و بسدّ و کهربا استعاره از گلهای
سرخ و زرد (س ۱۶)

آرایه های ادبی بخش ۷- ق ۲

آب وی آب زمزم و کوثر/ خاک وی خاک عنبر و کافور: آب
اول مشبه، آب دوم مشبه به، خاک اول مشبه، خاک دوم
مشبه به،

میان دو "خاک" جناس تام وجود دارد.

آرایه های ادبی بخش ۷- ق ۳

دست صبا، پای دبور: اضافه استعاری

شکل وی ناپسوده دست صبا/ شبه وی ناسپرده پای دبور:

دارای صفت موازنه است (س ۱۸)

کوتاه دستی و امانت: مترادف

امانت و خیانت: متضاد (س ۳۶)

آرایه های ادبی بخش ۷- ق ۴

امانت و خیانت: سجع متوازی (س ۳۶)

حیلت و تبعیت: سجع مطرّف (س ۴۶)

روی و فاء، روی آزر م: اضافه استعاری (س ۵۷)

سیرت و صورت: مراعات نظیر (س ۶۱)

جهالت و ضلالت: مترادف (س ۶۱)

مقاربت و مخالطت: سجع متوازی (س ۶۱)

آرایه های ادبی بخش ۷- ق ۵

مثل دوستان با تو چون مثل آن بازرگان است: مثل اول مشبه
و مثل دوم مشبه به

امین راستکار: استعاره تهکمیّه (س ۷۰)

اهمال با نسیان، حق با شکر، سخره با پیشه: موازنه (س ۸۸)

آرایه های ادبی بخش ۷- ق ۶

گوش و دل: مراعات نظیر (س ۸۸)

بیان و بنان: جناس خطی

صبح ظفر: استعاره مکنیه از جنگاوری (تشخیص)

قلاید روزگار: اضافه استعاری (س ۱۱۲)

افتعال و زرق: مترادف (س ۱۲۴)

آرایه های ادبی بخش ۷ - ق ۷

نهال کردار، تخم گفتار: اضافه تشبیهی (س ۱۲۴)

عواقب و خواتم: مترادف، سجع متوازن (س ۱۲۹)

مکر با عذر، بد سگالی با کید، نا محمود با نا مبارک: مترادف
(س ۱۲۹)

قدم و دست: مراعات نظیر (س ۱۲۹)

پشت و روی: مراعات نظیر و تضاد (س ۱۲۹)

www.salampnu.com

سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

www.salampnu.com